



اولین بار در فیلم مارال (۱۳۷۹) بود که به علاقمندان سینما معرفی شد و توانست جایگاهی در عرصه بازیگری برای خودش پیدا کند اما به مرور با بازی در برخی فیلم‌های سطحی و بازاری به عنوان یک بازیگر گیشه‌ای مطرح شد و حالا حدیث فولادوند با گذر از ۳۰ سالگی به قول خودش قدری محتاط‌تر شده و بازی در هر فیلمی را نمی‌پذیرد. با او

کم‌کم بیشتر به کارم علاقه پیدا کردم و سعی کردم به اینکار با نگاهی متفاوت و عمیق نگاه کنم.

رابطه‌تان با شهرت چطور است؟

شهرت همیشه علاوه بر جذابیتش دردسر هم دارد. لطف مردم بعضی جاها به دردسر ختم می‌شود. از اینکه مردم من را دوست دارند خوشحالم اما یک زمان پیش می‌آید که آدم حوصله ندارد و دلش می‌خواهد تنها در خیابان قدم بزندانم می‌شود.

به شانس چقدر اعتقاد دارید؟

به شانس اعتقاد ندارم ولی به معجزه چرا. فکر می‌کنم شانس هم جزو معجزه‌های خداست که شامل حال آدم می‌شود.

بزرگترین شانس‌سی که در کار بازیگری آوردید چه بوده است؟

می‌توانم بگویم کار کردن با داود میرباقری شانس بزرگی برایم بوده است. با میرباقری در معصومیت از دست رفته، مسافری و مختار نامه کار کرده‌ام، واقعاً کار با او برایم جذاب و آموزنده بود.

حدسه یا چهار تا، ولی چون برخی فیلم‌ها مثل کلاهی برای باران یا شاخه گلی برای عروس زیاد دیده شده این تلقی بوجود آمده است.

تا زگی‌ها در تلویزیون زیاد دیده می‌شوند...

اتفاقاً خیلی‌ها به من می‌گویند که چرا در تلویزیون نیستی. شاید من سال‌ها دو یا سه تله‌فیلم بیشتر بازی نکرده‌ام و نمی‌دانم چرا این‌گونه برداشت می‌شود.

حدیث فولادوند سال ۸۸ با حدیث فولادوند سال ۸۰ که تازه معروف شده بود چه تفاوتی کرده است؟

خیلی آرام‌تر و درون‌گراتر شده‌ام و حتی می‌شود گفت محتاط‌تر.

بازیگری در ابتدا برای شما شغل بود یا سرگرمی؟

اگر بخواهم صادقانه بگویم در ابتدا فقط سرگرمی بود، ولی الان تبدیل شده است به شغلی که به آن عشق می‌ورزم.

چه چیز بازیگری برای شما جذابیت داشت؟

اوایل برایم همه چیز حالت تجربی داشت. کارهایم شامل یک سری تجربه‌های هیجان‌انگیز و جدید بود، ولی

مشغول چه کاری هستید؟ این روزها برایتان چطور می‌گذرد؟

تا یک هفته پیش مشغول بازی در فیلم بستنی یخی به کارگردانی آرش معیریان بودم. فعلاً برنامه‌ای ندارم و اگر قسمت باشد قصد دارم مدتی برای تفریح به خارج از کشور سفر کنم و بعد از عید نوروز هم برمی‌گردم.

اکثر تماشاگران سینما شما را در نقش‌های کم‌دی دیده‌اند، علت خاصی دارد؟

راستش کارهایی را که دوست داشته باشم در آن بازی کنم پیش نیامده است. سینمای ما هم به طور افراطی به سمت ساختن فیلم‌های کم‌دی کشیده شده است. نه اینکه من دوست نداشته باشم در فیلم‌های طنز بازی کنم ولی فعلاً شرایط اینگونه است که مردم من را با اینگونه آثار شناخته‌اند. ضمن اینکه الان فیلمی از من اکران شده به نام شب حورا که موضوع آن طنز نیست.

دلیل خاصی داشته است؟ چون معتقدم به نوعی در حال کلیشه شدن در این گونه فیلم‌ها هستید...

اتفاقاً نقش‌های فانتزی من زیاد نبوده است. شاید در

## همه چیز درباره زندگی استاد آواز ایران

در امور خیریه همیشه پیشقدم است.

۲۱ سالگی ازدواج کرد و متولد اولین روز مهرماه ۱۳۱۹

مشهد مقدس است، چهار برادر و یک خواهر دارد.

از جمله خوانندگانی است که بدون ساز هم کنسرت برگزار کرده است.

استاد شجریان در زمینه قرائت قرآن شاگرد پدر بزرگش است و در دوران نوجوانی همه میهوت تلاوت قرآن او می‌شدند.

پدر بزرگش از صدای خوبی برخوردار بود و قاری ممتاز

قرآن بود.

۷ سال ۱۳۳۱ در ۱۲ سالگی به دعوت مدیر رادیو خراسان، در رادیو قرآن می‌خواند.

در دوران نوجوانی فوتبال را هم خیلی دوست داشت و در مسابقات شرکت می‌کرد.

دعای ربنا که هر سال ماه رمضان از تلویزیون پخش می‌شد با صدای استاد، از کارهای ماندگار اوست.

۷ سال چهارم دبیرستان به دانشسرا رفت و راه در مسیر معلمی گذاشت و به استخدام آموزش و پرورش درآمد.

۲۰ سالش بود که در یکی از روستاهای استان خراسان کار تدریس را آغاز کرد.

همسرش فرخنده گل افشان است.

۷ سه دختر و یک پسر دارد. سال ۱۳۴۱ مراسم ازدواجش

در مشهد برگزار شد.

۷ بعد از مدتی تدریس، به عنوان مدیر دبستان شاه‌آباد مشغول کار شد.

۷ افسانه دومین دخترش که متولد ۱۳۴۴ است با پرویز مشکاتیان ازدواج کرد.

۷ در نزدیکی‌های هشتگرد کرج، زمین و یا به تعبیر بهتر باغ وسیعی دارد که تعطیلات را در آنجا می‌گذراند.

۷ عکاسی را دوست دارد که گاه به این هنر هم می‌پردازد.

۷ در مواقع تنهایی برای خودش سنتور می‌نوازد.

۷ همایون و پدرش استاد شجریان جدا از این که پدر و فرزند هستند، باجناب هم می‌باشند. همایون با خواهر

همسر دوم پدرش ازدواج کرده است.

۷ سال ۱۳۴۵ به تهران منتقل شد و تدریس را در مدارس